



صفحه ۶



صفحه ۴

یک سال پس از جوسازی غرب‌گرایان در موضوع ناتوی عربی و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران روابط تهران با کشورهای عربی بدون توافق با آمریکا در حال بهبود است

# تنش زدایی بدون آمریکا

صفحه ۲



## روزهای سخت فدرال رزرو

تشدید بحران بانکی در ایالات متحده بانک مرکزی آمریکا برای نجات بانک‌ها ناگزیر به کاهش نرخ بهره است موضوعی که موجب افزایش تورم در این کشور خواهد شد

صفحه ۳

به مناسبت سی‌امین سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی، سید شهیدان اهل قلم

### ققنوس در سال‌های خاکستر

۱۰ ماه پس از شهادت سید مرتضی، رئیس سازمان صداوسیما تغییر کرد و هر چند مدت ریاست محمد هاشمی آق‌قدر طولانی بود که تغییرش غیرطبیعی نباشد اما کم نبودند کسانی که این ماجرا را نتیجه افشای بی‌مهری او نسبت به شهید آوینی و همقطارانش دانستند (چه کسی می‌تواند مدعی شود قطعا اینطور نبود؟)

امروز که به گذشته می‌نگرم، شک نمی‌کنم شهادت سیدمرتضی آوینی و تکان‌های که پس از آن در فضای فرهنگی کشور ایجاد شد، تغییراتی جدی در مسیر فرهنگی کشور که از قطعنامه ۵۹۸ و تدابیر موسوم به سازندگی پیدا کرد اما این بار، راس هرم قدرت گرایش بخش قابل توجهی از جوانان به فرهنگ پر خاسته از سال‌های جنگ، مروهون رواج نام و یاد سیدمرتضی آوینی و هر آن چیزی است که در نسبت با او قرار داشت (هیچ امری به اندازه دفاع مقدس با جنبه آوینی نسبت نداشت و ایشان به عنوان «راوی فتح» شناخته شد). این فضا که با آرامش اما بدون وقفه تداوم داشت، طیف‌های سیاسی معارض با آرمان‌های اصل انقلاب و دفاع مقدس را که در بحران فکری پس از قبال دیگر کشورهای اروپایی تجویز شد و البته در محاق قرار داد. سوبه سیاسی این جریان‌ات خرداد ۷۶ موفقیت‌های چشمگیری کسب کرد اما در ابعاد فرهنگی نتوانست مایلات خود را در جامعه تثبیت کند و به نظر نگارنده، مغلوب ققنوسی شد که از میان آتش انفجار ۲۰ فروردین ۷۲، در خاک فکه پر گشود و در آسمان این سرزمین اوج گرفت.

که پس از پایان جنگ، مثلاً بخش مجموعه روایت فتح متوقف شد، بخش سرودهای انقلابی محدود شد، شعارها و نقاشی‌های مربوط به جنگ از دیوارهای شهر پاک شد و در کل تقلا ناخوشایندی برای عدم یادکرد جدی از دفاع مقدس و کلیدواژه‌های رایج در آن دوران آغاز شد. تغییر سرود ملی که آخرین تداعی‌کننده پرتکرار از سال‌های جنگ بود، هر چند دلیل دیگری داشت ولی فاصله ذهنی مردم را با گذشته نه چندان دورشان، زیاد می‌کرد. شهادت آوینی، این فضای ۵ ساله را شکست. تمجید و توجه ویژه رهبر انقلاب نسبت به جناب آوینی، محبت این اندیشمند گریزان از شهرت را بر قلوب جوانان، بویژه بازگشتگان از میدان جنگ که زیر آوار سیاست‌های موسوم سازندگی مدفون شده بودند، حاکم کرد. بخش مکرر مستندهای روایت فتح از سر گرفته شد. هم‌زمان پرونده آخرین مستندی که هم‌زمان آوینی با سفری پرخطر به یوسنی ساخته بودند (خنجر و شقایق) و به واسطه سلاقی جریان حاکم بر صداوسیما از بخش آن جلوگیری شده بود، به جریان افتاد. اتفاقی که موجبات دلشکستگی زیادی برای عوامل تولید آن مستند، بویژه سیدمرتضی آوینی را فراهم کرد (آن روزها چنین تلقی شد که محمد هاشمی، برادر رئیس دولت که ریاست سازمان صداوسیما را برعهده داشت، در هماهنگی با رویکردهای دولت سازندگی و تبعیت از فضای گریز از اقتصاددانان معتقدند جا به جایی قدرت میان ۲ حزب جلوگیری کرده است و نگارنده نمی‌تواند حکم قطعی کند که این تصور کاملاً عاری از حقیقت بود).

ناجسب آن سال‌های برزخی هنوز در کام نگارنده وجود دارد. جنگ یوسنی به عنوان یکی از تلخ‌ترین خاطرات آن سال‌ها، امروز کمتر به یاد کسی می‌آید. نگارنده سن و سالی نداشت که مرتکب کنش مفید به فایده‌ای شود اما در این موضوع، شرایطش با بزرگ ترها تفاوتی نمی‌کرد. قلب‌های قطعنامه‌زده ما، با نظاره قضایی مسلمانان در قلب اروپا فشرده‌تر می‌شد و در شرایط آن روز، تقریباً دست‌مان از معر که کوتاه بود. درست در نقطه اوج این جنگ ۳ ساله بود که خبر شهادت «سیدمرتضی آوینی» در رسانه‌های عمومی منتشر شد. او شهرت زیادی نداشت و جز جماعت نه چندان پرشمار از دوستان، همکاران و شاگردانش، کسی از شنیدن خبر شهادت نابهنگامش، متقلب نشد. چند روزی گذشت تا افکار عمومی مطلع شود این «سید سفر کرده» سازنده مستندهای پرآوازه روایت فتح در نیمه دوم جنگ بود و صاحب همان صدادی که برای تمام مردم ایران، مطنین صدای فرزندان به میدان رفته‌شان را داشت. حضور غیرمنتظره رهبر انقلاب در تشییع پیکر شهید «سیدمرتضی آوینی» بر کنج‌کاوی باورمندان به انقلاب نسبت به این «شهید وقت‌شناس» اضافه کرد. مردی که ۱۷۰۰ روز بعد از خاموش شدن آتش جنگ، در مناطقی لبریز از سکوت آتش‌س، با انفجاری به خون غلتیده بود.

شهادت سیدمرتضی آوینی فضای آن سال‌های عسرت‌زده را به گونه‌ای شگفت‌آور شکست، نگارنده هیچ ادعا و هیچ سند محکمی ندارد که تعدد یا برنامه طراحی شده‌ای وجود داشت اما باورش دشوار است

### لرزه بر اندام اروپا بیان پر ادعا

دست به اعتصاب و تظاهرات زده‌اند اما این نخستین بار است که وارد فاز «اعتصابات سراسری فلج‌کننده» شده‌اند! سندی‌کاها تهدید کرده‌اند تا به نتیجه دلخواه خود نرسند به اعتصاب‌های سراسری یا پراکنده ادامه خواهند داد.

در حالی که دولت آلمان مشغول تامین تانک‌های لنوآرد ۲ و دیگر تسلیحات اوکراینی‌ها با هدف زنده نگاه داشتن منازعه در این کشور است، قیمت کالاهای اساسی، بویژه سواد غذایی و حامل‌های انرژی در مواردی تا ۳ برابر افزایش یافته است. در چنین شرایطی سندی‌کاها و اتحادیه‌های کارگری می‌گویند چاره‌ای جز اعتصاب‌های سراسری با هدف زمینگیر کردن دولت و امتیاز دادن آن به معترضان وجود ندارد. اعتصاب‌ها در آلمان طی ۳ دهه اخیر بی‌سابقه بوده و نشان می‌دهد اتحادیه‌های کارگری و شهروندان، دیگر توجهی به خطوط ترسیم شده از سوی احزاب سوسیال-دموکرات، سبزها و دموکرات‌های آزاد ندارند.

۸ ماه جهان را به خود مشغول کرد. امروز مرور برخی موضوع‌گیری‌های شخصیت‌های سیاسی ایران در قبال جنگ کویت، بخوبی نشان می‌دهد ابرهای بهت، به باران آشفنگی و گیجی نشسته بود (و اگر تدابیر رهبر جدید نظام نبود، می‌توانست سیلی پر خسارت به راه بیندازد). سال ۱۳۷۰ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تمام درک عمومی جهان از دهه پایانی قرن بیستم را در هم شکست. ایالات متحده که به پیروزی سریع و قاطع در جنگ کویت می‌بالید، گر چه حالا خود را فاتح «جنگ سرد» هم می‌دید و سرمستی می‌کرد اما حقیقت این بود که بانک‌ها هم از این سورپرایزهای پی در پی انگشت به دهان بودند. مردم ایران که ماهه قبل از سقوط هیولای شرق، به واسطه وعده امام خمینی، صدای شکستن استخوان‌های آن را شنیده بودند، وضع بهتری نسبت به دیگران داشتند اما بر هم خوردن توازن ۷۰ ساله در جهان دوقطبی و تغییرات سریع آرایش سیاسی در منطقه و عالم، چیزی نبود که ایران، به‌رغم غافلگیری نشدن، بتواند از امواج بلندش کاملاً در امان بماند. تلاطمات سریع جبهه‌های سیاسی، گردبادهایی کوچک و بزرگ در ۴ گوشه جهان به راه انداخت که آشفنگی‌های ناشی از آنها، دامن ایرانیان شوک‌زده از قطعنامه و مشغول بازسازی ویرانی‌های جنگ را هم گرفت. بحران اقتصادی داخلی، تردیدهای فکری و فرهنگی پس از قطعنامه و آشفنگی اندیشه سیاسی و جبهه‌گیری‌های رایج در جهان، همه در هم تنیده و لایه‌های ذهنی مردم را در هم می‌فشرد.

دهه ۷۰، در چنین شرایطی آغاز شد. طعم گس و

محمدعلی صدقی: دهه ۷۰ خورشیدی به زعم نگارنده این سستور، تلخی بی‌مانندی داشت. اتمسفری آزاردهنده، روزمرگی طبیعی را غیر قابل تحمل می‌کرد. نه باورمندان به انقلاب اسلامی و نهضت‌مداران تحلیل ملموسی از افق‌های پیش رو داشتند، نه مخالفان و معاندان می‌توانستند برآورد درستی به محافل خود در داخل و خارج از کشور بدهند. تراکم حوادث اواخر دهه ۶۰ دست کمی از اوایلش نداشت، با این تفاوت که قطعنامه ۵۹۸ اگر چه امروز به گونه‌ای بازخوانی می‌شود که گویی اکثریت افکار عمومی و خصوصی انتظارش را می‌کشیدند اما حقیقت این است که دست کمی از صاعقه نداشت. ۳۲۰ روز بعد، رحلت حضرت امام خمینی، بعضی‌های در گلو انباشته شده را ترکاند اما اوضاع را سخت‌تر کرد. رهبری که شیفتگی و جذب مردم نسبت به او، برای نسل‌های بعد قابل توصیف نیست، ۷۰ روز پیش از وفات، جانشین تعیین شده برای خود را عزل کرد، آن هم با پیامی که تکدر و دلشکستگی از کلمات آن بخوبی مشهود بود. ابرهای بهت، لحظه به لحظه سنگین‌تر می‌شد. بهتی که از طرف دولت جدید هم خستگی مردم از جنگ و هیجانات انقلابی تعبیر شد و کش‌های متناسب با این برداشت - که متعقدم تلقی نادرستی بود - بر سنگینی فضا افزود. یک سال بعد، حمله عراق به کویت، کشاکش و جنگی را بر پا کرد که

### یادداشت



### نگاه

#### عادی سازی قتل پروژه جدید اصلاحات

علی‌اکبر غلامی: «مرگ خودخواسته هنرمند»، «بوسه به مرگ»، «مرگ خودخواسته را انتخاب کرد»، «به زندگی خود پایان داد»، «درگذشت خودخواسته سینماگر خودساخته»، «برای کیومرث که از زمین رفت»، همه این گزاره‌های زبیا، در عین حال که از یک واقعه تلخ خبر می‌دهد، آن واقعه را مثبت و قابل تحسین توصیف می‌کند. این جملات زبیا، تیزر روزنامه‌های اصلاح‌طلب در واکنش به «خودکشی» یک فرد بود.

خودکشی یکی از انواع قتل است: قتل خود. با این تفاوت که قاتل و مقتول یک نفر است و دیگر جای هیچ جبران و قصاصی هم باقی نمی‌ماند. خودکشی در ادیان الهی و بسیاری از مکاتب فکری اخلاقی مدارا، قبیح دانسته می‌شود. در اسلام نیز خودکشی، حرام و گناه کبیره شناخته می‌شود و فردی که خودکشی کرده را فاسق می‌نامند. در آیه ۲۹ سوره نساء آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ». در آیه ۱۹۵ سوره بقره نیز آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّلَاقِ»، و در آیه ۱۵۱ سوره بقره نیز آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ». حتی اگر رویکرد دینی و اخلاقی مدارانه را کنار بگذاریم، باز هم خودکشی به‌عنوان یک اقدام منفی قلمداد می‌شود. در کشورهای غربی، میزان خودکشی به‌عنوان یک شاخص منفی شناخته شده و نشانه‌ای از یک اقدام فردی و اجتماعی مخرب معرفی می‌شود. به‌عبارت دقیق‌تر، خودکشی شاخصی ضد توسعه بوده و نشانه‌ای از رسیدن به پوچی و بن‌بست دائم است.

اما اصلاح‌طلبان در نوشتارهای چند روز اخیر، بویژه تیتراژی که به برخی از آنها اشاره شد، اقدام به خودکشی را یک اقدام شجاعانه و مثبت توصیف کرده‌اند. بویژه آنجا که روزنامه اصلاح‌طلب هم‌میهن، خودکشی را به یک فرد «خودساخته» (ب) نسبت داده است اما مشخص نیست چگونه ممکن است یک شخص در عین حال که خودساخته است، زندگی‌اش را در شرایطی به بن‌بست رسیده ببیند و به آن پایان داده و خودش را به قتل برساند؟ مشخص نیست جریان اصلاحات با چه هدفی به قبیح‌زدایی و مثبت جلوه دادن خودکشی پرداخته است. در حالی که این اقدام، هم حرام شرعی است و هم جنایت علیه خود فرد و جامعه. بگذریم از بازی‌های سیاسی‌ای که همواره جریان اصلاحات به آن دامن می‌زند اما در این ماجرا که سلامت روان جمعی را هدف گرفته، جریان اصلاحات چه خواسته‌ای دارد؟

ادامه در صفحه ۶

### دیدگاه



حنیف غفاری: اماتوئل مکرون همچنان بر اصلاحات اقتصادی خود از جمله افزایش سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال اصرار می‌ورزد و استمرار حضور گسترده معترضان در خیابان‌های پاریس و ماریسی نیز تأثیری در عقب‌نشینی کاک‌الیزه از این تصمیم جنجالی نداشته است! احزاب سنتی فرانسه یعنی محافظه‌کاران و سوسیالیست‌ها به همراه ۲ جریان راست افراطی و چپ افراطی جملگی معتقدند با وجود عدم اقبال عمومی شهروندان و نارضایتی روزافزون حاکم بر جامعه فرانسه ممکن است اتحادیه‌های کارگری این بار اعتصابات فلج‌کننده‌ای را بر این کشور تحمیل کنند که هزینه‌های مادی و امنیتی آن قطعا در محاسبات قبلی مکرون و همراهانش گنجانده نشده است. شاید تصور شود در شرایطی که فرانسه با بحرانی فراگیر دست و